

امامزاده اکبر گنجی

امیرفیض - حقوقدان

در ایامی که از جاوید ایران دریافت داشتم مقاله ای بود از آقای دکتر صمدانی راجع به آقای اکبر گنجی دانستی هائی داشت بفرمایید، مقاله مزبور، گویای حالت آسیب پذیری مبارزه از عناصر ناباب و بیشتر وابسته به جمهوری اسلامی راندادی میکرد و آشنائی بود از سطحی بودن مبارزه که چون گودال، هر وامانده آب و گندابی به آن سرازیر میشود، یاد آمد که در همان سال و ماهی که اکبر گنجی سر و کله اش در میان مبارزان خارج از کشور پیدا شد مقاله ای زیر عنوان: «امامزاده اکبر گنجی» در سن ۱۵ شهریور ماه سال ۱۳۸۴ پیاده شد که با عنایت به قسمتهائی از آن ممکن است مقاله آقای دکتر صمدانی رابه ابعاد آسیب پذیری مبارزه و سطحی بودن آن متصل سازد.

امامزاده اکبر گنجی

همانطور که مستحضرید امامزاده سازی از هنرهای مذهب شیعه است و آن به این طریق است که یک شخصیت مورد احترام ده و یا شهر خواب میبندد که در فلان نقطه یکی از فرزندان یکی از ائمه دفن است، و از آن تاریخ آن محل امامزاده شناخته میشود البته شرط عمده این کار، خواب، همان شخصیت بود بطوری که اگر مثلاً یک فرد عادی چنین خوابی را بر ملا میساخت به خواب او اعتباری داده نمیشد و میگفتند پر خوری بوده است.

امامزاده سازی از اکبر گنجی بوسیله آمریکا و آقای بوش انجام شد و شخص آقای بوش در بیاناتی رسماً با ذکر نام، از اکبر گنجی حمایت کرد و بعد از ایشان آقای مایکل لیدن آمریکائی از اکبر گنجی به عنوان یک روزنامه نگار شجاع که شهامتش از روسای دولتها بیشتر است یاد کرد (روزنامه عصر امروز ۳۹۳۰)

حمایت آقای بوش از اکبر گنجی و دیگر شخصیت های آریکائی او رابه امامزاده ای تبدیل کرد که جراند ایرانی وابسته به آمریکا و یا چشم داشت به آمریکا یکسره به بزرگداشت گنجی پرداختند و همانطور که وقتی امامزاده ای کشف میشود همه برای نزدیکی و عظمت دادن به آن امامزاده تلاش میکنند، روزنامه های خارج از کشور به استقبال غیر قابل انتظار از اکبر گنجی شتاب برداشتند.

روزنامه کیهان لندن که مدیر آن مصباح زاده بود به سفیر آمریکا گفته است «در صورتی که خواسته شود کیهان میتاند در عرض چند هفته از اینها» مقصود اعضای جبهه ملی است < یک قهرمان بسازد»

(اسناد سفارت آمریکا جلد ۱۳ صفحه ۲)

از اکبر گنجی یک امامزاده طلایی ساخت (مقاله های شاهین فاطمی)

جالب اینجاست که مقالات شاهین فاطمی انعکاسی از تجلیل های مایکل لیدن از گنجی است < بدست ننه نگاه کن غریبه کن»

روزنامه عصر امروز به مدیریت عباس پهلوان در مقاله ای بقلم آقای پرویز قاضی سعید از اکبر گنجی به نام < ا صیل ترین وارث شجاعان ایرانی یاد کرد و نوشت: «پاکبازی امروز او همه خطاهای دیروزش را پشت و پیاک کرد میخواستیم با تمام وجود خودم در برابر او تعظیمی کنم به نشانه احترام»

این توجه بجاست که همین آقای قاضی سعید چندین مقاله تند درباره گنجی و اینکه او مامور جمهوری اسلامی است نوشت چگونه ممکن است در سیستم خفقان و بی رحمی جمهوری اسلامی ماتیفست بنویسد و در حالیکه در زندان است ماتیفست او چاپ شود؟ ولی همینکه آقای بوش و مایکل لیدن از گنجی حمایت کردند روزنامه صبح ایان و عصر امروز که تنها روزنامه های یومیه ایرانیان خارج از کشور هستند و چنان موقعیتی برای خود آن قائلند که به گزارشگر نیویورک سان

گفته اند «مامیخواهیم به مقامات آمریکائی بگوئیم که ایرانی ها باهم متحد شده اند و اگر شما قصد بااندازی رژیم تهران را دارید باید مستقیماً با ما صحبت کنید»
(مشروح درسنگراول خرداد ۸۴)

چنان براه تکریم و کرنش از گنجی برآمدند که قابل تحمل برای خوانندگان آنها نبود و صبح ایران اعتراض خائندان روزنامه رامنکس و چنین پاسخ داد:

«به سوابق گنجی نباید کاری داشت، گنجی دارد سیستم را بهم میریزد و خامنه ای را فرد غیر ضروری در سیستم حکومتی میداند بهمین علت است که رئیس جمهوری آمریکا از او حمایت کرده است»

در خارج از ایران شعرها بود که برای گنجی ساخته شد، جوانان بتحریرک روزنامه ها و رادیو ها شام غریبان برای آزادی او گرفتند و شخصیت های خارجی خاصه آمریکائی ها آزادی او را خواستار شدند.

صبح ایران بقلم شرفشاهی سردبیر آن روزنامه در شماره ۴۵۹۰ تکلیفی برای ایرانیان در رابطه با گنجی معین و اعلام کرده که بسیار بامعنی است نوشته است:

«در چنین شرائطی ما ایرانیان برون مرزی یک وظیفه مهم و اساسی داریم و آن این است که تلفن ها و فکسها و ایمیل های پی در پی به کاخ سفید آمریکا و وزارت خارجه این کشور بفرستیم و مسئله زندانیان سیاسی و اعتصاب غذای گنجی و اینکه او در آستانه مرگ است را چنان بزرگ کنیم که رئیس جمهور آمریکا ناچار شود در این رابطه سخنی بگوید و یادست به اقدامی بزند (خط تاکید از تحریر است که درجه حماقت را گویاست)

ممکن است خواننده این تحریر تصور کند که مدیر آن روزنامه های یومیه فارسی لوس آنجلس به اعتبار آشنائی با سوابق گنجی و مقالات او چنین گرایش چابلسانه رابه او نشان میدهند. چنین برداشتی قابل تجدید نظر است، تجلیل از گنجی در آن حدی که بدون شک حیرت آور و استثنائی است، فقط برای این بود که بوش و مایکل لیدن از گنجی تجلیل کردند تا مدیران آن روزنامه ها به بوش گفته باشند نوکران صدیق و غلامان گوش بفرمان تو ما هستیم (مایکل لیدن همان آمریکائی است که تز حمله نظامی به ایران و تبدیل ایران رابه سرزمین سوخته ها را رانه داد (مشروح درسنگر ۴۷۰+۳۳۲) مصداق (ما نوکر شما هستیم نه نوکر بادمجان)

برای اینکه خوانند محترم این تحریر به حقیقت پریشانی و وابستگی مبارزه علیه جمهوری اسلامی بیشتر آشنائشوند یک راه این است که مطبوعات، که باصطلاح هدایت کننده مردم اند شناسائی شوند.

روزنامه صبح ایران در شماره ۴۵۰۸ در سرمقاله ای زیر عنوان «چرا ایرانیها بوش را دوست دارند» نوشت: «دیروز وقتی که برای چندمین بار سخنان پرزیدنت بوش را که شنیدیم که تاچه حد محکم و استوار از منافع مردم ایران و هم صدائی با ملت ایران سخن گفته است، برآستی من نویسنده از شادمانی مختصر اشکی در کنار چشماتم نشستم»

آقای شرفشاهی مدیر روزنامه مزبور در پایان مقاله اش اینطور دستور کار داد.

«ما ایرانی ها چون برای اولین بار است که از چنین حمایت هائی برخوردار شده ایم باید از رئیس جمهوری آمریکا سپاسگزار باشیم و بخاطر چنین حمایت هائی برای اوفکس و ایمیل های سپاس بفرستیم تا متوجه شود که مردم ایران تاچه حدی مردمی قدرشناس هستند»

دستاوردهای جریان گنجی

یکمین دستاورد جریان گنجی این بود که برای اولین بار کسی که اقرار و اعتراف میکند که از آمریکا مبلغ قابل توجهی «آرشیو سنگر مبلغ را ۵۰ هزار دلار و برخی دیگر ۵۰۰ هزار دلار نشان میدهد» دریافت کرده این چنین تجلیل میشود یعنی قبض دریافت پول از بیگانگان بکل نادیده گرفته شد. درست است که شاهین فاطمی و مدنی و شاپور بختیار هم از بیگانگان دریافت هائی داشته اند ولی همواره از طرف ایرانیان خارج از کشور بویژه نشریات، اتهام آنها یاد آوری میشد و نه اینکه

همانند گنجی بکل فراموش شود تاجانی که گنجی اسطوره وشجاع شجاعان شناخته شود وتوصیه هم بشود که >به گذشته گنجی نباید کاری داشت<^۱

جریان گنجی وکیفیت برخورد ایرانیان مخالف جمهوری اسلامی باپول گرفتن گنجی به آمریکاییها نشان داد که ایرانیان خارج ازکشورچندان به پاکی واصلت مبارزه وبیزاری ازآلودگی به حمایت های مادی خارجیآن منفعل نیستند وازآن تاریخ علنا فصل کمک وبه عبارت جامع ترخریداری ایرانیان را خارجیان آغازکردند.^۲

بطوری که امروز بسیاری امثال گنجی بسته های سیاسی از آمریکاواسرانیل دریافت میکنند وسربلند هم هستند[!!!]

دومین دستاورد این بود که تمام گزارشات سازمان های حقوق بشری درمورد عدم رعایت حقوق بشرخاصه نسبت به زندانیان سیاسی را تحت الشعاع نادرستی وحب وبعض قرارمیداد.

گنجی درحالیکه بعلت مخالفت باجمهوری اسلامی زندان بود آنقدر آزادی داشت که مانیفست جمهوری خودش رادر ۶۰ صفحه بنویسد ودرخارج از زندان به چاپ برساند ودرآن مانیفست هم داد محکومیت جمهوری اسلامی را بلند کند چه کسی میتواند این شاهد وقرینه عینی رادر آزادی کامل زندانیان سیاسی وحتی داشتن کامپیوترزیرسوال ببرد؟ مانیفست جمهوریخواهی نه تنها خلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی به خلاف اسلام هم هست زیرا از لایک جانبداری کرده است، کمیسیون های حقوق بشری درمقابل این واقعیت عینی محکم چه پاسخی داشتند؟

اکبرگنجی پس از آزادی از زندان موقت (انتخاب ریاست جمهوری) بلافاصله درمقابل زندان یک مصاحبه مطبوعاتی تشکیل داد ونقطه نظرهایش راهمراه باهانت به ولایت فقیه وحمايت از جمهوری لایک اعلام کرد، این مصاحبه بلافاصله درمطبوعات به چاپ رسید وهیچ تعرضی هم به گنجی نشد.

آیا دریک حکومت خودکامه مذهبی جمهوری اسلامی این چنین آزادی هائی ممکن است ویافقط برای کسانی که درماموریت های خاصی هستند ممکن است؟

گزارشات سازمان های حقوق بشری حاکی است که ایرانیانی بمناسبت مخالفت های سطحی ویاداشتن یک اعلامیه همراه، سالهاست که در زندان بدون حق ملاقات افتاده ند واصلا بستگان آنها نمیدانند که عزیزان آنها کجاست.

اگر این گزارشات درست است، چگونه است که وکیل گنجی وهمسرش مرتبا ازگنجی دیدارمیکند وازوعکس میگیرند و تصاویر او فورا درمطبوعات منعکس میشود؟ کدام درست است محرومیت زندانیان ازحقوق اولیه ویا استثنائی بودن موضع گنجی برای ماموریت خاص؟

سومین دستاورد

سومین دستاورد جریان گنجی متزلزل شدن شکنجه در زندان های جمهوری اسلامی است گزارشات سازمان های حقوق بشری وهمچنین بستگان زندانیان از اجرای شکنجه علیه زندانیان فصل مشابهی دارد ودرتصاویری که ازگنجی منتشر شده ازجمله درکیهان لندن گنجی را شخصی نحیف وازپافتاده ودرحال نزع دراترشکنجه نشان میدهد و بنابر اظهارهمسرش >گنجی امروز وفرداتلف میشود= کیهان لندن<

این چنین آدمی که زیربارشکنجه درحال ازبین رفتن است چگونه است که هرروز نامه های مفصلی به مقامات ازجمله منتظری ومقالات برای روزنامه ها مینویسد؟ آنقدر این مقوله عجیب بوده است که خبرنگاری ازهمسرگنجی میپرسد >آیا این مقاله هاراخود گنجی مینویسد یادیگران< (کیهان لندن)

^۱ - دریافت پیشکش از سوی آقای منوچهر گنجی هم قابل ذکر است.

^۲ - امروز یک دیپلمات کارکشته پیشین در رابطه «مزد گیری» از بیگانگان می گفت: «من به فاحشه ای که برای درآوردن پول و تامین نان خانواده از جان خود مایه می گذارد ایرادی ندارم، به آن ایرانیانی که از ایران و سرنوشت کشور ما مایه می گذارند و فاحشگی سیاسی می کنند بسیار ایراد دارم.» بسیار زیبا گفته اند. ح-ک

آیا جریان گنجی، گزارشات شکنجه در زندان های جمهوری راکم رنگ از اعتبارنمی سازد؟ و یا علامت این است که جریان گنجی بازندانان سیاسی دیگر تفاوت های حکومتی و ماموریتی دارد؟

روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس با عنوان <جان گنجی در خطر است> نوشت: <گنجی که از مخالفان رژیم تهران و زیر شکنجه است با اعتصاب غذای ۳۲ روزه خود ۲۴ کیلو از وزنش کاسته شده است>^۳

این چنین شخصی چگونه ممکن است بتواند مدام لوایح مفصل به مطبوعات و دوستانش از زندان از طریق اینترنت بفرستد این کار، معجزه امام است نه امامزاده. لوایح و مانیفست گنجی را بخوانید و اگر اهل قبول معجزه نیستید قضیه را وصل کنید به یک جریان استثنائی

^۳ - در تطبیق نمونه وضعیت امیر عباس فخرآور و حشمت الله طبرزدی و چند تن دیگر در رده همین مبهمات و شکایات قالبی رژیم اسلامی با کمک ریچارد پرل، مایکل لدین، و تا حدودی کنت تیمرمن و وو همچنان بقوت خود باقی است. ح-ک